

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.267025.1458>

Identifying the Cultural Resistance in Islamic Republic of Iran (based on survey method)

Abstract:

Cultural resistance has always been one of the forms of opposition to the values of any political system. In this respect, this resistance can also be found in the Islamic Republic of Iran. Identifying examples of resistance always helps political systems to identify them and take a better step towards a crisis resolution. Therefore, identifying the basic examples of the cultural resistance in Iran can be a step towards resolving some cultural crises in our society today. Accordingly, the main question of this article is what are the most important examples of cultural resistance in the Islamic Republic of Iran? To answer this question, we first begin with a brief review of the theories that have existed in the history of thought about resistance. After that, by designing a questionnaire, an attempt has been made to identify these examples by referring to the respondents. The data analysis method is SPSS questionnaire.

Key words: cultural resistance, questionnaire, opposition, Islamic Republic of Iran

شناسایی مقاومت‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (با تکیه بر روش پیمایش)

سعید ماخانی^۱
عبدالله مرادی^۲

تاریخ دریافت: 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

چکیده

مقاومت فرهنگی همیشه یکی از اشکال مخالفت در برابر کلان ارزش‌های هر نظام سیاسی بوده است که می‌تواند موجودیت هر نظامی سیاسی ای را به خطر بیندازد. به این اعتبار، می‌توان این مقاومت را در جمهوری اسلامی ایران هم سراغ گرفت. شناسایی مصادیق مقاومت همیشه به نظام‌های سیاسی یاری میرساند تا با شناسایی آن‌ها قدم بهتری در مسیر آسیب‌شناسی و حل بحران‌ها بردارند. بنابراین، شناسایی مصادیق بنیادین مقاومت فرهنگی در ایران می‌تواند قدمی در مسیر حل برخی از بحران‌های فرهنگی در جامعه‌ی امروزی ما باشد. از این روی، در مقاله‌ی حاضر می‌کوشیم تا ضمن بررسی و شناسایی مصادیق مقاومت فرهنگی در ایران، نشان دهیم که مهم‌ترین مصادیق آن کدام‌اند و بدنه‌ی اجتماعی چه برداشتی و تصویری از این مصادیق دارند. اگر بتوانیم دریابیم که کدامین مقاومت‌ها در ناخودآگاه اجتماعی جامعه‌ی ایران وجود دارند، خواهیم توانست قدم مهم‌تری در مسیر حل این مقاومت‌ها و حفظ وحدت اجتماعی برداریم. بر این اساس، پرسش اصلی این مقاله این است که مهم‌ترین مصادیق مقاومت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران کدام است و چه تأثیری بر امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، در ابتدا به گزارش مختصری در باب نظریه‌هایی که در تاریخ اندیشه در باب مقاومت وجود داشته پرداخته شده است. پس از آن، با طراحی یک پرسشنامه کوشیده شده است تا با مراجعه به پاسخ‌دهندگان این مصادیق مورد شناسایی قرار گیرند. روش تحلیل داده‌های پرسشنامه SPSS است. بررسی این مقاله نشان داده است که سه مصداق مقاومت فرهنگی بنیادین در جامعه‌ی ایرانی بی-ججایی، موسیقی‌های نامتعارف و شبکه‌های خارجی هستند.

کلمات کلیدی: مقاومت فرهنگی، پرسشنامه، مخالفت، جمهوری اسلامی ایران

^۱دکتری تخصصی، تهران، مجدیدیه جنوبی، خیابان اثنی عشری، نیش کوچه بیستم پلاک 1/180، واحد 1
^۲استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

هنگامی که ماهیت جوهری جمهوری اسلامی ایران و محصول آن که منتج از انقلاب اسلامی سال 1357 بوده است در نظر گرفته می‌شود، بیشتر آشکار خواهد شد که، اساساً، انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی و ارزشی، به معنای تلاشی برای تحول و ارتقای ارزش‌های بنیادین برآمده از دین اسلام، بوده است. بنابراین، حفظ و تداوم وجوه فرهنگی انقلاب اسلامی یکی از موثرترین و راهبردی‌ترین مسیرهای ممکن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. اما این کار نه صرفاً با خوانشی در ارزش‌های فرهنگی انقلاب اسلامی، بلکه با بررسی خرده‌رقبای فرهنگی آن موثر می‌افتد، یعنی فرهنگ‌ها و هنجارهایی که در برابر ارزش‌های غایی کشور قرار می‌گیرند و امنیت آن را دستخوش تحول خواهند کرد، یعنی مقاومت‌های فرهنگی.

در واقع، خرده‌رقبای فرهنگی، که از این پس از آن‌ها با عنوان مقاومت‌های فرهنگی یا فرهنگ‌های مخالف یاد می‌کنیم، نوعی از روابط قدرت محدودند که در برابر ارزش‌های کلان ایستادگی و مقاومت می‌کنند (ساروخانی و بابایی فرد، 1391)، و تلاش دارند که خود را به عنوان گفتمانی جدید هژمونیک کنند. از آن جایی که قوام ارزش‌های کلان عنصری مفروض در امنیت داخلی و ملی هر کشوری است،

شناسایی فرهنگ‌های مخالف می‌تواند فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی امنیت ملی را به آگاهی درآورد و زمینه را برای راه‌حلی مناسب فراهم کند. اگر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب این تعریف از منافع ملی در نظر گرفته شود که منافع ملی عبارت است از آماج، آمال و انگیزه‌های اساسی، ارزش‌ها و نیازهای حیاتی-اداری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت-ملت دارای حاکمیت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۰)، اهمیت حفظ ارزش‌های کلان جمهوری اسلامی در برابر فرهنگ‌های مخالف بهتر درک می‌شود.

البته، رابطه‌ی بین مقاومت‌های فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی کلان، هم، از زوایای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته، اما به نظر می‌رسد آن چه می‌تواند کارایی بیشتری داشته باشد و بنیادی کاربردی برای پژوهش‌های آتی در نظر گرفته شود، شناسایی مقاومت‌های فرهنگی در ایران امروز باشد.

نویسندگان در مقاله حاضر می‌کوشند تا ضمن توضیح بنیادهای نظری مقاومت فرهنگی، با طراحی یک پیمایش، سه مقاومت فرهنگی بنیادین را در ایران امروز شناسایی کنند.

پیشینه‌ی تحقیق

به سبب بداعت موضوع پژوهش حاضر، پیشینه‌ی پژوهشی که کاملاً به این موضوع مربوط باشد موجود نیست. با این حال، به آثاری که به نوعی به این پژوهش مربوط هستند اشاره خواهد شد.

محمد مهدی رحمتی و دیگران (۱۳۹۱) به موضوع مخالفت و ناهنجاری فرهنگی در مصرف کالاهای فرهنگی غیرمجاز در تهران پرداخته‌اند تا رابطه‌ی میان هویت اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی غیرمجاز در شهر تهران را برجسته کنند.

آصف بیات (۱۳۹۰) در یکی از آثار خود، «زندگی همچون سیاست: چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند»، نوعی از مخالفت را در قالب مفهوم «پیشروی آرام» ارائه می‌کند که به طور تجویزی نوعی استراتژی مردمی برای مخالفت در برابر حکومت‌ها است که البته دربرگیرنده‌ی برخی از بهترین و بنیادی‌ترین تحلیل‌ها و بینش‌ها در مورد جوامع خاورمیانه‌ای است. پیشروی آرام، آن‌طور که نویسنده تشریح می‌کند، از ظرفیت سیاسی شدن برخوردار است که در تحولات سیاسی چند سال اخیر در بسیاری از جوامع خاورمیانه بروز یافته است (همان، مقدمه‌ی مترجم، ۶). آصف بیات (۱۳۹۷) در اثری دیگر، «سیاست‌های خیابانی»، ضمن بررسی وضعیت طبقات ضعیف در جامعه یا به تعبیر آصف تهی-دستان شهری، معتقد است که ایشان بنا بر ضرورت بقا و رسیدن به یک زندگی شرافتمندانه دست به مخالفتی می‌زنند که باید در قالب پیشروی آرام فهمیده شود (همان، ۳۵).

جان فوران (۱۳۹۱) در اثر درخشان خود درباره‌ی چگونگی به ثمر نشستن انقلاب اسلامی در کتاب «مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب اسلامی» در صدد طرح یک الگوی نظری برای توضیح چرایی انقلاب اسلامی است. هر چند نظریه‌ی او اجزای مختلفی دارد، با این حال بحث او درباره‌ی فرهنگ سیاسی مخالف دارای وجهی مهم است، چرا که از نظر فوران فرهنگ‌های سیاسی مخالف می‌توانند میان شرایط عینی نارضایتی و شرایط ذهنی مطلوب با گونه‌ای از اقدام عملی و سیاسی پیوند برقرار کنند.

حمیدرضا شعیری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای بسیار راهگشا با نام «مقاومت، ممارست، و مماشات گفتمانی» به اقسام مخالفت‌های گفتمانی از قبیل گستره‌ای، مبتنی بر کنش، پدیدارشناختی، و مبتنی بر اسطوره اشاره دارد که می‌تواند در پژوهش حاضر مورد ارجاع قرار گیرد. نویسنده، با تأکید بر مخالفت گفتمانی، معتقد است که چنین مخالفتی درصدد است تا یک وضعیت ایجابی و تثبیت‌شده را نفی کند و وضعیتی جدید را جایگزین آن نماید.

پس از اشاره به ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش، شایسته است تا وجهه‌میزه‌ی این آثار را با مقاله‌ی حاضر روشن کنیم. هر چند پژوهش‌های فوق سهمی در بررسی مسئله‌ی مخالفت در ایران داشته‌اند و این موضوع را بررسی کرده‌اند، اما بررسی‌های ایشان به مواردی محدود بوده است که، به گمان نگارنده، به خوبی با مسئله‌ی امنیت پیونده نخورده است. از این روی، می‌توان تأکید کرد که سهم عمده و نخست پژوهش حاضر توجه به مسئله‌ی امنیت و محوریت آن در بحث از مخالفت است. تصور ما بر این است

که در ایران معاصر، مسائلی وجود دارند که عرصه‌ی مخالفت و ناهنجاری هستند، و این عرصه‌ها که بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذارند به خوبی شناسایی نشده‌اند.

از این روی، باید توجه کرد که کوشش ما بر این است تا ابتدا این موارد و عرصه‌های مخالفت فرهنگی را شناسایی کنیم، و سپس با ارزیابی کیفی آن‌ها تأثیرشان بر امنیت داخلی را نشان دهیم. پس، دومین وجه متمایز مقاله حاضر با نوشته‌های پیشین اساساً به این جا بازمی‌گردد که شناسایی ما از مخالفت‌های فرهنگی از منظر ارزش‌های ایرانی-اسلامی و آموزه‌های جمهوری اسلامی ایران است، به گونه‌ای که آسیب به آن‌ها باعث خدشه در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد؛ ضرورت چنین بررسی‌ای هم به این مطلب بازمی‌گردد.

۱. چشم اندازی تاریخی از نظریه‌های مقاومت

مهم‌ترین دیدگاه‌های مکتوب در باب مقاومت، تغییرات سیاسی و انقلابات را می‌توان نزد ارسطو مشاهده کرد. ارسطو در کتاب پنجم سیاست به طور مفصل به این موضوعات پرداخت (نک: ارسطو، ۱۳۸۶: کتاب پنجم، ۳۳۸-۲۶۳). دیدگاه ارسطو در باب حق مقاومت و ایستادگی در برابر قدرت سیاسی، مشخصاً، در ذیل بحث از انقلابات و دلایل آن آمده است. طبق نظر ارسطو علل انقلاب را می‌توان به دو دسته‌ی عام و خاص تقسیم کرد (ارسطو، ۱۳۸۸: کتاب پنجم، بخش اول، بند ۱). ارسطو مهم‌ترین دلیل عمومی برای انقلاب و مقاومت را نابرابری مردمان می‌داند. او اشاره می‌کند که این برابری مختص شهروندان و آزاده تباران است که می‌بایست همگی از برابری برخوردار باشند. چنانچه این برابری بین شهروندان محقق نشود، ایشان حق مسلمی برای مقاومت در برابر حکومت خواهند داشت (ارسطو، ۱۳۸۸: کتاب پنجم، بخش دوم، بند ۱۲).

پس از ارسطو، بحث در باب مقاومت را در سد‌های میانه هم می‌توان مشاهده کرد، هر چند این بحث غالباً در ذیل نظریه‌ی اطاعت منفعلانه مطرح می‌شده است؛ نظریه‌ی اطاعت منفعلانه نظریه‌ای بود بر این مبنا که اگر حاکم فرمانی مغایر با فرمان‌های خداوند صادر می‌کرد، فرد می‌توانست به جای اطاعت فعالانه از آن، به شکلی منفعلانه از آن اطاعت کند. بر این اساس، فرد نه تنها از آن فرمان به طور فعالانه اطاعت نمی‌کرد، بلکه در مقابل مجازات حاکم هم مقاومتی نداشت (کیلکولن و رابینسون، ۱۳۹۷: ۹۲). این ایده‌ای تقریباً جاافتاده در سراسر سده‌های میانه اروپا در خصوص مقاومت در برابر قدرت سیاسی بود. اندیشه‌ی سیاسی سده‌های میانه، در مجموع، بنا به اصولی که بدان باور داشت، مقاومت در برابر قدرت سیاسی را هیچ‌گاه فعالانه نپذیرفت، و معمولاً به حفظ نظام سیاسی رای می‌داد تا تغییر آن.

با آغاز دوران مدرن، اندیشه اصلاحات پیدا شد که تا حدی در راستای اندیشه‌ی پیشین سده‌های میانه بود؛ در این راستا، لوتر و کالون باور داشتند که هر گونه مقاومت و شورش در برابر حاکمان گناهی نابخشودنی است، زیرا مقاومت از این نوع باعث تحلیل رفتن بنیادهای اجتماع مسیحی خواهد شد، بنابراین مردمان نباید در اندیشه‌ی شورش و مقاومت باشند (عالم، ۱۳۸۴: ۸۵).

مهم‌ترین گروهی که در عرصه‌ی سیاست نظری و عملی سده‌ی شانزدهم پا به عرصه نهادند و فعالانه از اندیشه‌ی مقاومت حمایت می‌کردند ضدشاهانی بودند که جانبدار کالوین بودند و از حکومت همگان دفاع می‌کردند. ایشان، که به هیوگنات‌ها شهره بودند، استبداد شاهان را بدعتی می‌دانستند که باید در برابر آن ایستادگی کرد. آن‌ها، که اساساً در فرانسه پا به عرصه‌ی وجود نهادند، معتقد بودند که نظام حکمرانی در فرانسه آمیزه‌ای از پادشاهی و اشرافیت و دموکراسی بوده که در آن اشراف میانجی پادشاه و مردم بودند (عنایت، ۱۳۹۸: ۱۷۶). این پیش فرض، خود، سبب می‌شد تا این گروه معصومیت شاهان و حکومت را نپذیرند، و از بُعد تاریخی غیرقابل پذیرش بدانند، زیرا تاریخ نشان داده که مردم حکمران حقیقی‌اند و گزاره‌هایی از این دست که مردم به اختیار قدرتشان را به شاهان واگذار کرده‌اند نمی‌تواند جاه طلبی‌ها و بی‌عدالتی‌های شاهان را توجیه کند.

در انگلستان، از مهم‌ترین اندیشمندانی که از وجهی نو به مسئله‌ی مقاومت پرداخت جان لاک بود. طبق نظر او، حق مقاومت به طور ضمنی در قرارداد اجتماعی وجود دارد؛ اگر حکومت با نادیده گرفتن هدف قیومت یا با استفاده از اختیار داده شده در راه یک مقصود خودخواهانه قیومت را نقض کند مردم حق دارند حکومت را اگر ضروری باشد با کاربرد زور تغییر دهند. اما پرسش اینجاست که مرجع تشخیص

این که حکومتی این قرار را نقض کرده چیست؟ پاسخ لاک چنین است: «مردم باید در این مورد داوری کنند».

پس از لاک، دیدگاه کانت در باب حق مقاومت در برابر اقتدار سیاسی را می‌توان با ارجاع به نظر او درباره‌ی بنیاد دولت بهتر دریافت. از نظر او پایه و بنیاد دولت رضایت افراد نیست، و فرد ملزم به تبعیت از قدرت دولت است. از این روی، کانت با حق مقاومت کاملاً مخالف بود و بر آن بود که حتی اگر قانون اساسی ناقص باشد حکمران باید آن را تغییر دهد نه مردم (بینکارد، ۱۳۹۴: ۹۰-۸۵).

دیدگاه مارکس در باب مقاومت را، برخلاف اندیشه‌های پیشین و مشخصاً لاک، باید در ذیل مباحث تاریخی افهم کرد که پیش‌تر در تاریخ اندیشه‌ی فلسفی در غرب ارائه شده بود. آن چه مارکس را به مهم‌ترین شخصیت در تأثیرگذاری بر نظریه‌های آتی مقاومت تبدیل می‌کند به این جا مربوط می‌شود که کوشید تا عرصه‌ی تخاصم را از عرصه‌ی سیاست به عرصه‌های جدیدی، اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی،... وارد کند، و آن را در وجهی هنجاری تبلیغ کند. در واقع، مارکس از نخستین متفکران غربی بود که شکل جدیدی به مقاومت بخشید و تأکید کرد که مقاومت فقط معادل ایستادگی و مقاومت با وجه سیاسی حکومت‌ها نیست، بلکه باید در عرصه‌ی اقتصاد و فرهنگ هم وارد شود. البته، اشارات خود مارکس به مقاومت فرهنگی محدود و گذراست و این متفکران بعدی بودند که به این موضوع پرداختند، اما او برای نخستین بار تأکید کرد که این مقاومت می‌تواند عرصه‌ای جز سیاست باشد (کولاکوفسکی، ۱۳۸۹: فصل چهاردهم).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بحث نظری از مقاومت در تاریخ اندیشه‌ی غربی تاریخی درازدامن دارد. تا پیش از کارل مارکس، عموماً این مباحث معطوف به خود قدرت سیاسی بود و مسئله‌ی سقوط و مقاومت فعالانه و مستقیم سیاسی را در مرکز توجه داشت. به تعبیر بهتر، غالب این مباحث در سپهر سیاست مطرح می‌شدند و هنوز وارد سپهر فرهنگ و اجتماع نشده بودند. دیدگاه‌های جدید مارکس در باب مبارزه‌ی طبقاتی و اقتصادی و همچنین مقاومت در برابر طبقه‌ی استثمارگر فصلی جدیدی در اندیشه‌ی غربی رقم زد. به مرور، متفکرانی پدیدار شدند که با بررسی اندیشه‌های مارکس وجوه جدیدی به این دیدگاه بخشیدند.

مهم‌ترین اندیشمندی که پس از مارکس بحث او را به مسیر جدیدی رهنمون کرد گرامشی بود. اصطلاح کلیدی گرامشی که می‌تواند مهم قلمداد شود هژمونی بود. مقصود او از هژمونی و سوانالی است که طبقه‌ی مسلط به واسطه‌ی آن از طریق برخی وعده‌ها طبقات فرودست را با خود همراه می‌سازد و می‌کوشد تا با دلسردکردن مخالفان رضایت کلی اجتماع را جهت رسیدن به یک تشکل اجتماعی به دست آورد (Gramsci, 1996).. او همچنین تأکید می‌کرد که دولت نهادی نیست که سیاست در آن محقق می‌شود، بلکه در عوض هژمونی ابتدائاً در جامعه‌ی مدنی شکل می‌گیرد، پس نهادهای فرهنگی-اجتماعی به عنوان بنیاد دولت بسیار مهم اند (Ibid, 212).

بعدها، هورکهایمر به وجوهی از دیدگاه گرامشی نظر انداخت؛ البته دیدگاه او درباره‌ی مقاومت را باید در ذیل نظرگاه او پیرامون واژگونی عقل فهم کرد. واژگونی عقل مولفه‌ی تعیین‌کننده‌ی جامعه‌ی صنعتی است که صرفاً به معنای واژگونی ارزش مصرف نیست، بلکه معادل واژگونی عقل به منزله‌ی ابزار خود است (میلر، ۱۳۸۸: ۴۱). مقصود هورکهایمر از واژگونی عقل این است که عقل سوپژکتیو به مرور و تحت تأثیر فلسفه‌ی بورژوازی جایگزین فلسفه‌ی ابژکتیو شده است. عقل سوپژکتیو «در اساس درباره‌ی وسیله و هدف، درباره‌ی کیفیت روش‌ها برای دست‌یابی به هدف‌هایی است که کم و بیش بدیهی فرض شده‌اند و ظاهراً بی‌نیاز از توضیح‌اند و واضح می‌نمایند» (میلر، ۱۳۸۸: ۵۵-۴۶).

فوکو، بعدها، از معدود متفکران سده‌ی بیستم بود که کل بحث تحقیقی خود را به بحث در سرشت قدرت معطوف کرد. هر چند دیدگاه او درباره‌ی قدرت دستخوش تحولاتی شد، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، با این حال کل بحث او در باب قدرت را می‌توان در ذیل مفهوم تحلیلیات قدرت درک کرد (نَش، ۱۳۹۲: ۳۸).

در مدل فوکو، قدرت مولد است، یعنی نیرویی موسس و پنهان که برای تاسیس بدن‌ها و اذهان، به شیوه‌ای رونده که از دید حاکمیت پنهان می‌ماند، عمل می‌کند؛ قدرت، همچنین، متکثر است و از جانب یک نهاد سیاسی متمرکز مثل دولت اعمال نمی‌شود، بلکه در عوض از جانب نهادهای بی‌شماری اعمال می‌شود که دیگر تابع قدرتی فراگیر و متمرکز نیستند. عام‌ترین مفهومی که قدرت را به نیرویی مولد بدل می‌کند،

دانش است. دانش، و مشخصاً علوم اجتماعی، در تولید بدن‌ها و اذهان عمیقاً نقش دارد (فوکو، ۱۳۹۱). گفت‌وگوهای تعبیری است که فوکو برای این نظام دانش شبه‌علمی به کار می‌برد. گفت‌وگوها، خود، ارائه دهنده‌ی واقعیتی عینی‌اند که موضوعات دانش را عرضه می‌کنند.

سازوکار قدرت افراد را هم به سوژه و هم به ابزاره بدل می‌کند. چنین برداشتی از قدرت بیانگر دیدگاه‌های انتقادی فوکو در باب کردارهای اجتماعی مربوط به انقیاد و ابزاره‌شدگی است. از این جنبه، قدرت تأثیر بسیار زیادی بر غیرطبیعی‌نمودن ساختارهای اجتماعی دارد (McNay, 1994: 102-4). اهمیت بنیادین فوکو برای جامعه‌شناسی سیاسی معاصر در بحث از مقاومت‌ها و ناهنجاری‌های فرهنگی به زمینه‌سازی او برای شکل‌گیری بحث از سیاست هویت و تفاوت در ذیل مقاومت مربوط می‌شود. سپهر سیاست هویت و تفاوت که خود سیاست فرهنگی را به دنبال دارد، ویژگی جدید جنبش‌ها و کنش‌های اجتماعی است که از افراد در سطح اجتماع بروز می‌کند. این جنبه از دیدگاه فوکو را باید وجه نوآورانه‌ی آن دانست که می‌کوشد مسئله‌ی مقاومت را پررنگ کند. پژوهش حاضر، با نظر به همین دیدگاه به ادامه‌ی بحث خود می‌پردازد.

۲. مصادیق مقاومت فرهنگی در ایران

مقاله‌ی حاضر درصدد است تا به شناسایی مصادیق مقاومت فرهنگی بپردازد و مصادیق نهایی آن را با مراجعه به مشارکت‌کنندگان در پرسشنامه معین کند. با این همه، ما مصادیقی را برگزیدیم که می‌توانند به عنوان نمونه‌های اساسی مقاومت فرهنگی لحاظ شوند، هر چند گزینش نهایی آن را به روش پیمایش سپرده‌ایم. شایان ذکر است که فهرست این مصادیق در وهله‌ی نخست دربرگیرنده‌ی بیش از ۷ است که مشورت با سه خبره در این حوزه، دو استاد دانشگاه و یک پژوهشگر و مترجم علوم اجتماعی، به موارد ذیل رسیدیم.

تلاش ما در انتخاب این مصادیق بر اساس دو مولفه‌ی اساسی صورت گرفته است؛ نخست، مقاومت باید نوعی از مقاومت فرهنگی باشد؛ بر این اساس، فرهنگ مخالف یا مقاومت فرهنگی به ایستاری اطلاق می‌شود که در برابر فرهنگ عام و متعالی موجود در یک اجتماع واکنش نشان می‌دهد، و در صدد است تا با تخطی از معیارهای عام فرهنگی به مقاومت آگاهانه یا ناآگاهانه بپردازد. بنابراین، مقاومت فرهنگی باید مقاومتی خرد در برابر یک کلان فرهنگ باشد. برای مثال، بی‌حجابی به شکلی عامدانه می‌تواند مصداقی از مقاومت فرهنگی باشد، زیرا به عنوان یک مقاومت خرد در برابر ارزش بنیادین حجاب در جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. مشاهده می‌شود که فرهنگ‌های مقاومت سمت‌گیری‌های عملی در برابر وضعیت‌های آرمانی کلان‌اند.

دومین مولفه در انتخاب مصادیق مقاومت، مغایرت آن‌ها با موازین حقوقی، شرعی و قانونی جمهوری اسلامی ایران است. به این معنا که وقتی بر اساس مولفه‌ی اول، یک مصداقی را برمی‌گزینیم، باید موازین شرعی و قانونی‌ای را مشخص کنیم که نشان می‌دهند آن مصداق خارج از دایره‌ی ارزش‌های جمهوری اسلامی است.

بر این اساس، این موارد مادامی از مصادیق مقاومت فرهنگی خواهند بود که نه شکل ابزاری که شکل یک کنشی در برابر کلان فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند. این مصادیق به قرار زیرند؛

2.1. بی‌حجابی

مقاومتی که در مقوله‌ی حجاب می‌تواند بروز پیدا کند، به واقع، همان عدم پای‌بندی به ارزش‌های بنیادین حجاب است. از آن جایی که حجاب یکی از ارزش‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تاسیس تا به امروز بوده است، مقاومت در برابر آن، خواه آگاهانه یا ناآگاهانه، به معنای مقاومت در برابر کلیت باورهای نظام اسلامی است. بنابراین، می‌توان افرادی را سراغ گرفت که در عدم رعایت موازین حجاب در صدد ایستادگی در برابر برخی ارزش‌ها هستند. نمونه‌ی «دختران خیابان انقلاب» و برخی از پیامدهای آن می‌تواند نمونه‌ای از این دست قلمداد شود (برای نمونه بنگرید به: محبوبی‌منش، 1386). علاوه بر این، طبق ماده 102 قانون تعزیرات مصوب سال 1362 در مجلس شورای اسلامی، که نخستین قانون مصوب در باب حجاب بوده است، زنان می‌بایست حجاب شرعی خود را در معابر و انظار عمومی رعایت می‌کردند (مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با عفاف و حجاب، 1397: 9 به بعد). علاوه بر جنبه‌های قانونی این مسئله، استفتانات آیات عظام هم در باب حجاب ضرورت این مطلب را بیشتر آشکار می‌کند و تقابلی بی‌حجابی با ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران را به تصویر می‌کشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله بهجت و بسیاری دیگر از آیات عظام حجاب را از مسلمات شریعت دانسته‌اند و تأکید دارند که عدم رعایت آن معصیت است. (نیز بنگرید به این صفحه)

2.2. مصرف ماهواره

مصرف ماهواره توسط ایرانی‌ها دومین نمونه از مقاومت فرهنگی در برابر گفتمان کلان صدا و سیما می‌تواند باشد. برخی کسان در مراجعه‌شان به ماهواره آن را اقدامی در برابر گفتمان تبلیغی مسلط دانسته‌اند (سلماسی و نصیری، 1396). قانونی که می‌تواند تعارض مصرف ماهواره را با ارزش‌های جمهوری اسلامی نشان دهد، «قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» مصوب مجلس شورای اسلامی در سال 1373 می‌باشد. مواد 4 و 5 این قانون بر اثرات مخرب و ضدارزش‌های اسلامی را در مصرف ماهواره گوشزد کرده است. همچنین، بسیاری از مجتهدین به سبب مفسده‌ای که مصرف ماهواره به دنبال خواهد داشت و نیز به این خاطر که می‌تواند ابزاری برای لُهو و لعب باشد آن را حرام و غیرمجاز اعلام کرده‌اند، مانند آیت‌الله بهجت، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله نوری همدانی، ... (شهرویی و حاجی‌ده‌آبادی، 1395).

2.3. رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان (بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا فارسی، ایران ناسیونال)

مقصود از دایره‌ی شمول رسانه‌های خارجی شبکه‌های خبری خارجی، اعم از فارسی‌زبان یا غیرفارسی‌زبان، است، مانند بی بی سی، صدای آمریکا، سی بی اس، ایران ناسیونال، ... (همان). این رسانه‌های خبری را باید نوعی مقاومت در برابر برنامه‌های خبری در ایران دانست که افراد جهت مقاومت علیه گفتمان کلان آن‌ها ممکن است به سراغشان بروند. به واقع، آن چه این نوشته از این مصداق افاده می‌کند هنگامی است که افراد می‌کوشند تا با مراجعه و میناقراردان این شبکه‌های متخاصم فارسی‌زبان، مرجعیت و صحت رسانه‌های ایرانی را به پرسش بگیرند. از آنجایی که دسترسی به این شبکه‌ها از طریق استفاده از ماهواره است، می‌توان آن را در ذیل «قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» درک کرد و از این جهت آن را مغایر با ارزش‌های حقوقی و شرعی جمهوری اسلامی ایران دانست (بنگرید به: همان).

2.4. شبکه‌های اجتماعی فیلترشده (تلگرام و توییتر)

شبکه‌های اجتماعی به عنوان سپهری برای کنش اجتماعی، عرصه‌ای برای مقاومت دانسته شده است. از مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی می‌توان به تلگرام، توییتر، ... اشاره کرد (بیگدلو و هادیان، 1397؛ فرقانی و مهاجری، 1397). آن جنبه‌ای که باعث شده تا پژوهش حاضر استفاده از برخی شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و توییتر را مصداقی از مقاومت لحاظ کند، جنبه‌های قانونی جمهوری اسلامی است که در موارد استفاده از این شبکه‌ها را با فیلتر ممنوع کرده است.

در سال 1388، مجلس شورای اسلامی «قانون قانون جرایم رایانه‌ای» را در 56 ماده به تصویب رسانید. ماده 22 این قانون بر تشکیل کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه تاکید داشت؛ این کارگروه مسئولیت نظارت بر فضای مجازی و پالایش تارنماهای حاوی محتوای مجرمانه و رسیدگی به شکایات مردمی را بر عهده دارد. در این کمیته که مسئولیت فیلترینگ را بر عهده دارد شبکه‌هایی در فضای مجازی را که ممکن است نامناسب تشخیص داده شود با دستور قضایی فیلتر می‌کند.

بعدتر، در اجرای ماده 114 قانون آیین دادرسی کیفری و ماده 751 قانون مجازات اسلامی و به استناد اصل 156 قانون اساسی و مواد 498، 500، 512، 513، 514، 609، 610، 639، 697، 698، 700، 729 الی 731 و 742 الی 750 قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و ماده 6 قانون مطبوعات، دستور مسدودسازی پیام رسان تلگرام صادر و اعلام گردید. بر این اساس، باید تاکید کرد که چنین شبکه‌های اجتماعی‌ای بر اساس این مستندات قانونی در برابر ارزش‌های جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد و چون می‌توانند به عنوان راهی برای به چالش کشیدن وحدت کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توانند مصداقی از مقاومت هم باشند. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم با تاکید بر این که استفاده از فیلترشکن و مراجعه به وبسایت‌های مسدود شده عملی برخلاف مقررات است، افزوده‌اند که عدم رعایت مقررات جایز نیست (بنگرید به این صفحه).

2.5. کتاب‌های غیرمجاز

مقصود از کتاب‌های غیرمجاز آن دسته از آثاری است که فاقد مجوز رسمی از وزارت ارشاد هستند و محتوای آن‌ها در صدد آسیب‌زدن به گفتمان فرهنگی مسلط جمهوری اسلامی ایران است. نوشته‌هایی مانند عالیجناب سرخپوش و عالیجنابان خاکستری، تاریکخانه‌ی اشباح،... از این دست می‌توانند باشند.

بر اساس قانون «اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی در تاریخ 67/2/20، تمامی آثار منتشرشده باید تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شود و نباید دربرگیرنده‌ی مواردی از این دست باشد: تبلیغ و ترویج الحاد و انکار مبانی دین؛ ترویج فحشا و فساد اخلاقی؛ برانگیختن جامعه به قیام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و ضدیت با آن. این قانون به خوبی نشان می‌دهد که نشر کتاب چگونه باید در مسیر ارزش‌های بنیادین نظام باشد. بر این اساس، افرادی ممکن است بکوشند تا با مطالعه‌ی آثاری که فاقد مجوز لازم‌اند و موارد و موازین این قانون را رعایت نمی‌کنند، قدمی علیه ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران بردارند که از این جهت می‌تواند نمونه‌ای از مقاومت فرض شود. جنبه‌ی شرعی این مصداق را باید در این مطلب دید عدم رعایت قوانین کشور جایز دانسته نشده است.

2.6. قانون‌شکنی

عدم رعایت موازین قانونی به منظور آسیب رساندن به کلیت نظم اجتماعی و مدنی یکی دیگر از مصادیق مقاومت می‌تواند باشد (محسنی، 1391). عدم رعایت قوانین و شکستن اقتدار قانون می‌تواند یکی از مصادیق مقاومت باشد. علت این که قانون‌شکنی می‌تواند مصداقی از مقاومت باشد این است که اساساً مقاومت با مَرّ قانون به معنای مقاومت علیه اصول قانونی هر کشور است. در این مورد البته، تمامی مراجع بر ضرورت پذیرش اقتدار قانون و رعایت آن تاکید کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله نوری‌همدانی،... همگی مقاومت و عدم رعایت قانون را جائز ندانسته‌اند. بنابراین، چنین مقاومتی می‌تواند مصداقی از مقاومت قلمداد شود (برای نمونه بنگرید به این صفحه).

2.7. موسیقی‌های غیرمجاز

مقصود از این مصداق آن دسته از موسیقی‌هایی هستند که در محتوا یا در کنش یک هنرمند می‌توانند برداشتی را نزد عموم به وجود بیاورند که محتوا یا هنرمند قصد دارد تا در برابر یک کلان‌ارزش ایستادگی و مقاومت کند (فاضلی، 1384). در این‌جا، مقصود از موسیقی‌های غیرمجاز آن دسته از موسیقی‌هایی هستند که تناسب و هماهنگی دقیقی با موازین قانونی و شرعی جمهوری اسلامی ایران ندارند. موسیقی‌های غیرمجاز هم موسیقی‌هایی هستند که مصداقی از غنا باشند یا محتوای مستهجن داشته باشند که در این صورت حرام بوده و واضح امکان صدور مجوز برای آن را مجاز نمی‌داند که در این صورت یعنی آن موسیقی می‌تواند نمونه‌ای از مقاومت باشد (برای مطالعه برخی استفتائات در این باب، بنگرید به این صفحه).

3. روش پیمایش

هر چند پیمایش به معنی تکنیک خاصی در گردآوری اطلاعات نیست، اما عموماً در این روش از پرسشنامه جهت گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود (دواس، 1397: 13)؛ پس، پیمایش به آن شکلی که پذیرفته شده عبارت است از اجرای پرسشنامه‌ها روی نمونه‌ای از پاسخگویانی که از میان یک جامعه‌ی آماری انتخاب می‌شوند (ببی، 1381: 574). در پژوهش حاضر از پرسشنامه جهت گردآوری داده‌ها در راستای تعیین مصادیق مقاومت فرهنگی استفاده خواهد شد.

4. پرسشنامه

پرسشنامه‌ی طراحی‌شده برای مقاله‌ی حاضر دارای سه بخش است؛ بخش اول شامل معرفی و موضوع پژوهش؛ بخش دوم شامل سوالات عمومی در رابطه با پاسخ‌دهندگان می‌باشد. میزان تحصیلات، سن، جنسیت، شغل، میانگین درآمد ماهیانه، و وضعیت تاهل؛ بخش سوم شامل گزاره‌هایی است که طراحی آن‌ها با مشورت با افراد خبره در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی صورت گرفته است. پاسخ‌دهندگان به گزاره‌ها، میزان موافقت خود با آن‌ها را اعلام می‌کنند؛ هر گزاره بر اساس مقیاس لیکرت¹ 5 تایی (کاملاً موافقم - موافقم - نظری ندارم - مخالفم - کاملاً مخالفم) میزان موافقت یا مقاومت پاسخ‌دهنده

1. Likert scale

را با گزاره‌ی مطرح شده مورد سنجش قرار می‌دهد. در نهایت پاسخ‌های دریافت شده بر اساس جدول زیر به عدد تبدیل شده و با نرم‌افزار SPSS تحلیل می‌شوند

کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم
2	1	0	-1	-2

در قسمت کلیات نظر مشارکت‌کنندگان در باب باور ایشان به وجود مقاومت فرهنگی و نسبت آن با امنیت پرسیده شد که محور آن را دو گزاره‌ی «باور به امنیت» و «اثربخشی مقاومت فرهنگی بر امنیت» تشکیل داده است.

در قسمت شناسایی بی‌حجابی به عنوان مقاومت فرهنگی پرسش‌ها با محوریت این گزاره‌ها طرح شدند؛ «جایگاه بی‌حجابی به عنوان مقاومت فرهنگی» و «میزان جدیت آن به عنوان یک خرده فرهنگ مخالف در برابر ارزش‌های اسلامی».

در قسمت موسیقی‌های ناهنجار پرسش‌ها با محوریت این گزاره‌ها طرح شدند؛ «نامتعارف بودن موسیقی به عنوان عنصری برای مقاومت» و «به پرسش گرفتن نظم و اقتدار کلی نظارت نهادهای کشور».

در قسمت ماهواره پرسش‌ها با محوریت این گزاره‌ها طرح شدند؛ «تأثیر محتوای کلی ماهواره در ایجاد جرقه‌ی مقاومت» و «تأثیر این آگاهی‌ها بر امنیت کشور».

در قسمت رسانه‌های خارجی پرسش‌ها با محوریت این گزاره‌ها طرح شدند؛ «تأثیر القانات شبکه‌ها بر مقاومت» و «اثربخشی این القانات بر زیرسوال بردن گفتمان کلی جمهوری اسلامی».

در قسمت شبکه‌های اجتماعی پرسش‌ها با محوریت این گزاره‌ها طرح شدند؛ «تأثیر آگاهی منتج از شبکه‌های در شکل‌گیری مقاومت‌ها و تأثیرش بر امنیت».

در قسمت کتاب‌های غیرمجاز پرسش‌ها با محوریت این گزاره‌ها طرح شدند؛ «تأثیر القانات و براهین مکتوب کتاب‌ها بر مقاومت‌ها».

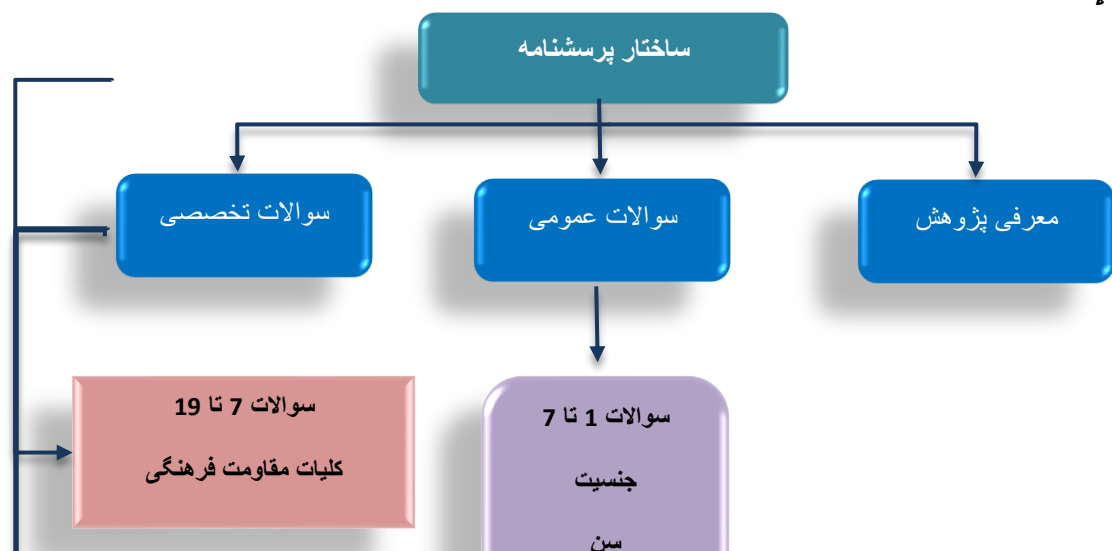
در قسمت قانون‌شکنی پرسش‌ها با محوریت این گزاره‌ها طرح شدند؛ «جایگاه بی‌توجهی به قانون در نظام اجتماعی به عنوان یک مقاومت».

4.1. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده‌ی متخصصان، پژوهشگران، صاحب‌نظران، دانشجویان نخبه و اساتید دانشگاه است. متخصصان، صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه از آن نظر در جامعه‌ی آماری قرار می‌گیرند که متولی و صاحب‌نظر در بخش نظری موضوع مقاله محسوب می‌شوند. دانشجویان نخبه به دلیل آن که حضور فعالی در سپهر اجتماعی دارند در جامعه‌ی آماری قرار گرفته‌اند.

حجم نمونه این پژوهش بدین قرار است؛ پرسشنامه‌های پژوهش بین 60 نفر توزیع شد که 50 پرسشنامه تکمیل شده تحویل داده شد و مبنای بررسی قرار گرفت. روش نمونه‌گیری پژوهش در پرسشنامه از طریق نمونه‌های در دسترس در دانشگاه تهران و شهیدبهبشتی بوده است. به منظور روایی صوری پرسشنامه‌ها، پیش از گردآوری داده‌ها، آن‌ها در اختیار چند نفر از اساتید متخصص در علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و آمار قرار خواهد گرفت تا نظر کارشناسی ایشان اعمال گردد. روش تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS بوده است.

این پرسشنامه متشکل از سه قسمت، معرفی پژوهش، سوالات عمومی و سوالات تخصصی، می‌باشد که می‌توان به صورت شکل زیر نشان داد:

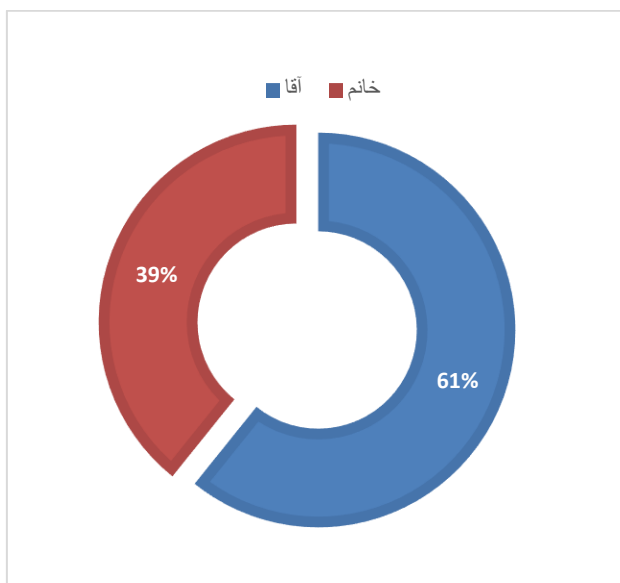


4.2. آمار توصیفی پرسشنامه

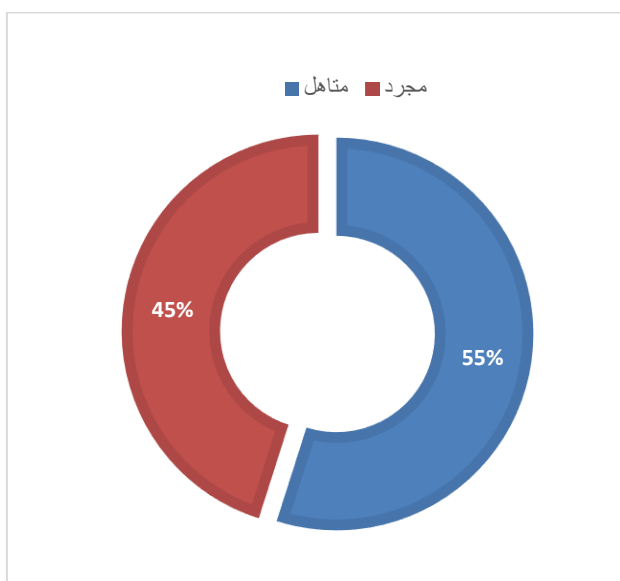
لینک¹ پرسشنامه طراحی شده در اختیار نمونه در دسترس قرار داده شد. پس از دریافت پاسخ از نمونه در دسترس مشخص شد که 50 نفر به این پرسشنامه پاسخ داده‌اند. اطلاعات مربوط به سوالات عمومی به شرح جدول زیر است:

تعداد	جنسیت	تعداد	وضعیت تاهل	تعداد	سن	تعداد
	خانم	20	مجرد	23	20-30	10
	آقا	31	متاهل	28	30-40	25
					40-50	13
					50-60	1
					بیش از 60	2
		51		51		51
جمع کل						
تعداد	تحصیلات	تعداد	میزان درآمد (میلیون تومان)	شغل	تعداد	
	دکتری	14	کمتر از 2	استاد دانشگاه	8	
	کارشناسی ارشد	23	2-5	شغل آزاد	3	
	کارشناسی	12	5-10	مترجم	5	
	دیپلم	2	بیش از 10	پژوهشگر	2	
				دانشجو	18	
				فرهنگی	3	
				کارمند	9	
				ناشر	1	
				مدیر مالی	2	
جمع کل		51			49	

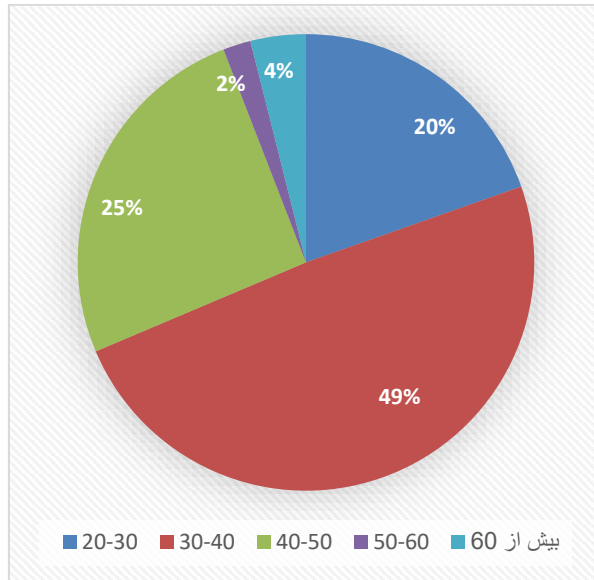
¹ . <https://survey.porsline.ir/s/ZMXDkV0/>



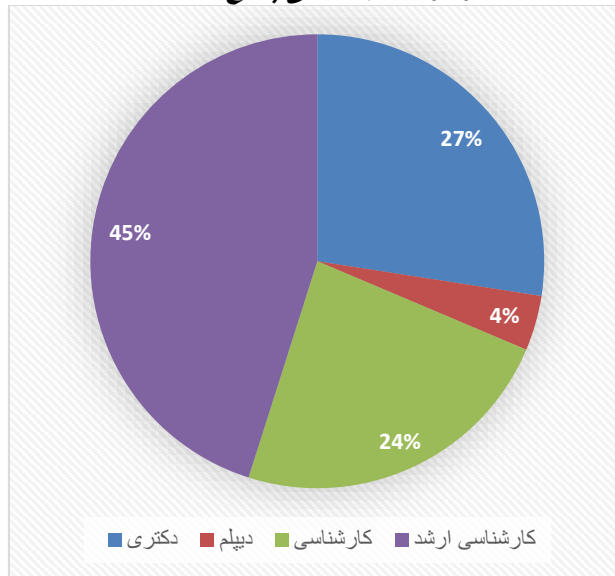
نمودار 1- جنسیت پاسخ دهندگان



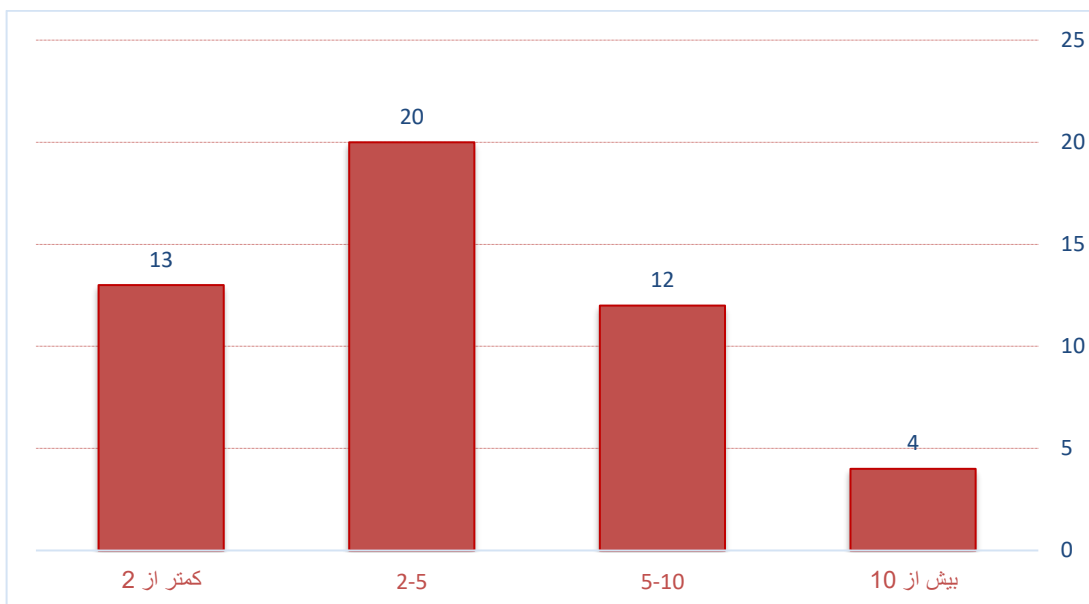
نمودار 2- وضعیت تاهل پاسخ دهندگان



نمودار 3- طیف سنی پاسخ‌دهندگان



نمودار 4- مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان



نمودار 5- میزان درآمد پاسخ‌دهندگان

4.3. تحلیل یافته‌های پرسشنامه

به منظور تحلیل یافته‌های پرسشنامه پاسخ‌های مربوط به سوالات تخصصی در نرم‌افزار SPSS وارد شد و از آزمون‌های آماری مناسب استفاده شد. همان‌طور که در شکل 1 ارائه گردید پرسشنامه شامل 51 سوال می‌باشد. هر سوال در قالب طیف لیکرت 5 طیفی (کاملاً موافقم - موافقم - نظری ندارم - مخالفم - کاملاً مخالفم) میزان موافقت یا مقاومت پاسخ‌دهنده را با گزاره مطرح شده مورد سنجش قرار می‌دهد. در نهایت پاسخ‌های دریافت شده بر اساس جدول زیر به عدد تبدیل شده و سپس با نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم
2	1	0	-1	-2

4.4. مصادیق مقاومت فرهنگی

بر اساس یافته‌های پرسشنامه، سه مصداق بی‌حجابی، رسانه‌های خارجی فارسی زبان و موسیقی‌های غیرمجاز سه مصداقی هستند که در صدر مقاومت فرهنگی می‌نشینند. بر این اساس، پاسخ‌دهندگان باور داشته‌اند که مصادیق فوق از نمونه‌هایی هستند که بازیگران اجتماعی با دست‌زدن به آن‌ها درصد مقاومت در برابر یک کلان ارزش هستند.

4.5. بررسی روایی و پایایی

جهت استفاده از آزمون آماری مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه پیش از هر اقدامی نیاز است که قابلیت اعتماد¹ (پایایی) و اعتبار² (روایی) تعیین گردد. پایایی به معنی دقت، اعتمادپذیری، ثبات و تکرارپذیری نتایج آزمون می‌باشد (مومنی و قیومی، 1394: 184). یکی از روش‌های تعیین پایایی روش ضریب آلفای کرونباخ³ می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ بین 0 و 1 است که در واقع همان ضریب همبستگی داده‌ها را در زمان‌های مختلف نشان می‌دهد. طبق قاعده ضریب آلفا

1 Reliability

2 Validity

3 Cronbach's Alpha

حداقل باید 0.7 باشد. مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این پرسشنامه معادل 0.808 می‌باشد که نشان دهنده قابلیت اعتماد لازم پرسشنامه می‌باشد (بنگرید به: همان، 188 به بعد).

روایی عبارت است از توانایی ابزار مورد نظر در اندازه‌گیری صفتی که آزمون برای اندازه‌گیری ساخته شده است (مومنی و قیومی، 1394: 184) در این پژوهش از روایی محتوایی استفاده شده است. در این روش کمیت و کیفیت سوالات از نظر خبرگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پژوهش جاری روایی پرسشنامه پیش از توزیع به 5 نفر از خبرگان ارائه و روایی محتوایی آن مورد سنجش قرار گرفت. همچنین در این پرسشنامه سوال آخر (سوال 51) را می‌توان سنجش اعتبار پرسشنامه دانست. در این سوال از پاسخ‌دهندگان خواسته شده است که موارد ذکر نشده از نظر ایشان بیان گردد. عدم پاسخ به این سوال نشان‌دهنده اعتبار پرسشنامه است.

4.6. آزمون دو جمله‌ای

همانند آزمون میانگین یک جامعه آماری، از آزمون دوجمله‌ای برای تشخیص تاثیر یا عدم تاثیر یک متغیر در پدیده‌ای معین استفاده می‌شود (همان، 76). فرض آماری در این آزمون به صورت زیر است:

H_0 : بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان با گزاره مطرح شده موافقت نداشته‌اند. ($P \leq 0.5$).

H_1 : بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان با گزاره مطرح شده موافقت داشته‌اند. ($P > 0.5$).

در برخی از سوالات مطرح شده در پرسشنامه فرضیه صفر رد می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت در رابطه با این دسته از پرسش‌ها که فرضیه صفر را رد می‌کنند، بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان با فرضیه مطرح شده موافقت داشته‌اند. این بدان معنی است که این موارد مطرح شده در پرسشنامه مصادیقی از مقاومت فرهنگی هستند. به عبارت دیگر حجاب، موسیقی و شبکه‌های خارجی از مصادیق مقاومت فرهنگی می‌باشند و بنابراین باید مواردی که باعث ایجاد، تسریع و یا منجر به این دسته از مقاومت‌های فرهنگی می‌گردند شناسایی شوند و راهکارهای لازم جهت کاهش این دسته از مقاومت‌های فرهنگی ارائه گردد.

5. تحلیل یافته‌های پرسشنامه

در این قسمت به آمار توصیفی- جنس، وضعیت تاهل و میانگین درآمد- مصادیق مقاومت‌های فرهنگی، حجاب، موسیقی و شبکه‌های خارجی، خواهیم پرداخت.

5.1. بی‌حجاب

جنسیت/حجاب	کاملاً مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
آقا	1%	4%	2%	17%	37%
خانم	1%	0%	0%	9%	28%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس جنسیت، پاسخ‌دهندگان از میان پنج پرسشی که به مسئله‌ی حجاب مربوط می‌شود در مجموع 91 درصد آن را مصادیقی از مقاومت دانسته‌اند. از این میان، 37 درصد خانم و 54 درصد آقا بوده‌اند؛ این در حالی است که 39 درصد از پاسخ‌دهندگان خانم بوده‌اند. بنابراین، درصد موافقت خانم‌ها با مسئله‌ی حجاب به عنوان یک مصادیق از مقاومت بسیار چشمگیر است، یعنی تنها 2.7 درصد از ایشان با این موضوع مقاومت داشته‌اند. پس موافقت خانم‌ها در این مطلب بسیار بیشتر از آقایان بوده است. 88 درصد از آقایان با این موضوع موافقت داشته‌اند.

وضعیت تاهل/حجاب	کاملاً مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
-----------------	--------------	-------	------------	-------	--------------

متاهل	1%	3%	2%	14%	36%
مجرد	1%	1%	0%	13%	29%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس وضعیت تاهل، پاسخ‌دهندگان از میان پنج پرسشی که به مسئله‌ی حجاب مربوط می‌شود در مجموع 92 درصد آن را مصداقی از مقاومت دانسته‌اند. از این میان، 52 درصد متاهل و 42 درصد مجرد بوده‌اند؛ این در حالی است که 55 درصد از پاسخ‌دهندگان متاهل بوده‌اند. وضعیت تاهل در این‌جا نشان می‌دهد که مسئله رعایت حجاب نزد افراد متاهل اهمیت بیشتری دارد.

وضعیت درآمد/حجاب	کاملاً مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
5 - 10 میلیون تومان	7%	2%	1%	5%	9%
2 - 5 میلیون تومان	1%	1%	0%	8%	32%
بیش از 10 میلیون تومان	5%	0%	0%	1%	1%
زیر 2 میلیون تومان	1%	1%	0%	2%	20%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس میزان درآمد، پاسخ‌دهندگان از میان پنج پرسشی که به مسئله‌ی حجاب مربوط می‌شود در مجموع 62 درصد آن را مصداقی از مقاومت دانسته‌اند. از این میان، بیشترین مقاومت با مسئله‌ی حجاب نزد گروهی است که درآمد آن‌ها بیش از 10 میلیون تومان است؛ یعنی 70 درصد این گروه به مسئله‌ی حجاب مقاومت داشته‌اند. اما از طرف دیگر، بیشترین همراهی به گروه درآمدی پایین و متوسط تعلق دارد که به ترتیب 91 درصد و 95 درصد آن‌ها چنین موافقتی داشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که سطح درآمدی بالا نسبتی عکس با مسئله‌ی ارزش حجاب دارد و از طرف دیگر گروه درآمدی متوسط و پایین وابستگی بیشتری به این ارزش‌ها دارند.

5.1. موسیقی

جنسیت/موسیقی	کاملاً مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
آقا	2%	3%	4%	15%	39%
خانم	1%	0%	2%	9%	25%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس جنسیت، پاسخ‌دهندگان از میان پنج پرسشی که به مسئله‌ی موسیقی مربوط می‌شود در مجموع 88 درصد آن را مصداقی از مقاومت دانسته‌اند. از این میان، 34 درصد خانم و 54 درصد آقا بوده‌اند؛ این در حالی است که 39 درصد از پاسخ‌دهندگان خانم بوده‌اند. بنابراین، درصد موافقت خانم‌ها با مسئله‌ی موسیقی به عنوان یک مصداق از مقاومت بسیار چشمگیر است، یعنی تنها 2.7 درصد از ایشان با این موضوع مقاومت داشته‌اند. پس موافقت خانم‌ها در این مطلب بسیار بیشتر از آقایان بوده است. 84 درصد از آقایان با این موضوع موافقت داشته‌اند. مطلب به خوبی آشکار می‌کند که خانم‌ها در قیاس با آقایان شخصیت محافظه‌کارتر و پای‌بندتری به ارزش‌ها نسبت به آقایان دارند.

وضعیت تاهل/موسیقی	کاملاً مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
متاهل	1%	1%	4%	14%	37%
مجرد	2%	1%	2%	11%	27%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس وضعیت تاهل، پاسخ‌دهندگان از میان پنج پرسشی که به مسئله‌ی موسیقی مربوط می‌شود در مجموع 89 درصد آن را مصداقی از مقاومت دانسته‌اند. از این میان، 51 درصد متاهل و 38 درصد مجرد بوده‌اند؛ این در حالی است که 55 درصد از پاسخ‌دهندگان متاهل بوده‌اند. وضعیت تاهل در این‌جا نشان می‌دهد که مسئله رعایت ارزش‌های بنیادین و آرمانی و نیز پای‌بندی به اصول نزد افراد متاهل اهمیت بیشتری دارد. به واقع، افراد به تبع تعهدی که در قرارداد ازدواج خود پذیرا شده‌اند، این تعهد را در عرصه‌های وسیع‌تری هم به کار می‌گیرند.

میانگین درآمد/ موسیقی	کاملاً مخالف	مخالف نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
5 - 10 میلیون تومان	1%	1%	2%	8%
2 - 5 میلیون تومان	1%	0%	2%	9%
بیش از 10 میلیون تومان	4%	0%	0%	3%
زیر 2 میلیون تومان	0%	1%	2%	4%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس میزان درآمد، پاسخ‌دهندگان از میان پنج پرسشی که به مسئله‌ی موسیقی مربوط می‌شود در مجموع 67 درصد آن را مصداقی از مقاومت دانسته‌اند. از این میان، بیشترین مقاومت با مسئله‌ی موسیقی نزد گروهی است که درآمد آن‌ها بیش از 10 میلیون تومان است؛ یعنی 44 درصد این گروه با مسئله‌ی موسیقی مقاومت داشته‌اند. اما از طرف دیگر، بیشترین همراهی به گروه درآمدی پایین و متوسط تعلق دارد که به ترتیب 88 درصد و 92 درصد آن‌ها چنین موافقتی داشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که سطح درآمدی بالا نسبتی عکس با مسئله‌ی موسیقی‌های ناهنجار دارد و از طرف دیگر گروه درآمدی متوسط و پایین مدافع سرسخت‌تری برای چنین ارزش‌هایی هستند.

5.3. شبکه‌های خارجی

جنسیت/ شبکه‌های خارجی	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
آقا	0%	3%	13%	46%
خانم	1%	0%	4%	33%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس جنسیت، پاسخ‌دهندگان از میان چهار پرسشی که به مسئله‌ی شبکه‌های خارجی معاند و فارسی‌زبان مربوط می‌شود در مجموع 96 درصد آن را مصداقی از مقاومت دانسته‌اند. این آمار بیشترین میزان موافقت را با این مسئله نشان می‌دهد و بر ما آشکار می‌سازد که موضوع رسانه‌های بیگانه‌ی فارسی‌زبان و مورد حمایت کشورهای خارجی تا چه حد بغرنج هستند. از این میان، 37 درصد خانم و 59 درصد آقا بوده‌اند؛ این در حالی است که 39 درصد از پاسخ‌دهندگان خانم بوده‌اند و تنها دو درصد از ایشان چنین مقاومتی داشته‌اند. 95 درصد از آقایان با این موضوع موافقت داشته‌اند. این فقره مانند نمونه‌های پیشین، به خوبی آشکار می‌کند که خانم‌ها در قیاس با آقایان شخصیت محافظه‌کارتر و پای‌بندتری به ارزش‌ها نسبت به آقایان دارند.

وضعیت تاهل/ شبکه‌های خارجی	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
متاهل	0%	1%	7%	48%
مجرد	1%	2%	9%	31%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس وضعیت تاهل، پاسخ‌دهندگان از میان چهار پرسشی که به مسئله‌ی شبکه‌های خارجی مربوط می‌شود در مجموع 95 درصد آن را مصداقی از مقاومت دانسته‌اند که بیشترین میزان موافقت در میان تمام مصدیقی است که در پرسشنامه آمده است. از این میان، 55 درصد متاهل

و 40 درصد مجرد بوده‌اند؛ این در حالی است که 55 درصد از پاسخ‌دهندگان متاهل بوده‌اند. وضعیت تاهل در این‌جا نشان می‌دهد که مسئله رعایت حجاب نزد افراد متاهل اهمیت بیشتری دارد.

میانگین خارجی	درآمد/شبکه‌های نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق
5 - 10 میلیون تومان	1%	5%	22%
2 - 5 میلیون تومان	0%	5%	34%
بیش از 10 میلیون تومان	0%	2%	6%
زیر 2 میلیون تومان	1%	2%	23%

جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس میزان درآمد، پاسخ‌دهندگان از میان چهار پرسشی که به مسئله‌ی شبکه‌های خارجی مربوط می‌شود در مجموع 86 درصد آن را مصداقی از مقاومت دانسته‌اند. از این میان، بیشترین مقاومت با مسئله‌ی شبکه‌های خارجی نزد گروهی است که درآمد آن‌ها بیش از 10 میلیون تومان است؛ یعنی 54 درصد این گروه با مسئله‌ی شبکه‌های خارجی مقاومت داشته‌اند. اما از طرف دیگر، بیشترین همراهی به گروه درآمدی پایین و متوسط تعلق دارد که به ترتیب 83 درصد و 89 درصد آن‌ها چنین موافقتی داشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که سطح درآمدی بالا نسبتی عکس با مسئله‌ی باورپذیری به شبکه‌های خارجی دارد و از طرف دیگر گروه درآمدی متوسط و پایین کمتر به چنین اعتمادی پای‌بند هستند.

نتیجه‌گیری

هدف مقاله‌ی حاضر شناسایی مهم‌ترین مصادیق مقاومت فرهنگی در ایران امروز بود. این مقاله در ابتدا با نگاهی گذار به تحولات نظریه‌های مربوط به مقاومت و تاملات نظری در باب آن، نشان می‌دهد که مقصود از مقاومت فرهنگی چیست. سپس به منظور شناسایی سه مصداق مهم مقاومت فرهنگی در ایران امروز یک پرسشنامه طراحی شد و در میان نمونه‌های در دسترس در دانشگاه تهران و شهید بهشتی توزیع شد.

تحلیل یافته‌های پرسشنامه که با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده، نشان داد که سه مصداق مهم مقاومت فرهنگی در ایران، بی‌حجابی، رسانه‌های خارجی فارسی زبان و موسیقی‌های غیرمجاز هستند. این مصادیق و شناسایی آن‌ها می‌تواند به پژوهش‌های آتی یاری رساند تا با در نظر داشتن این مصادیق به آسیب شناسی آن‌ها پردازند. این مصادیق از میان مهم‌ترین مصادیق مقاومت فرهنگی اخذ شده که توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده بود. انتخاب این مصادیق با مراجعه به روش پیمایش صورت گرفت و بر اساس تحلیل یافته‌های مقاله آشکار می‌شود که سه مصداق بی‌حجابی، رسانه‌های خارجی فارسی زبان و موسیقی‌های غیرمجاز مهم‌ترین مصادیق هستند. این‌ها به واقع مصادیقی هستند که در ضمیر ناخودآگاه اجتماعی افراد نقش بسته و به صورت ناآگاهانه و در مواردی هم به صورت آگاهانه دنبال شده است.

البته، اطمینان به این مصادیق، خود، ناشی از پایایی و روایی پرسشنامه است که مورد بررسی قرار گرفت. روایی پرسشنامه مورد تایید چندین خبره قرار گرفت و پایایی پرسشنامه هم بر اساس آزمون کرونباخ سنجیده شد. آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ی پژوهش 0.808 می‌باشد که نشان دهنده‌ی قابلیت اعتماد لازم پرسشنامه می‌باشد. پس از بررسی پایایی و روایی، سراغ تاثیر و عدم تاثیر پاسخ‌های پرسشنامه از طریق آزمون دوجمله‌ای رفتیم که طی جدولی مفصل در متن آمده است. این آزمون معناداری مصادیق مقاومت فرهنگی را نشان می‌دهد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که با توجه به شناسایی این موارد، سیاست‌گذاران و قانونگذاران می‌توانند به توجه به این موارد راهکارهایی جهت حل و رفع این مقاومت‌ها پیدا کنند. امید است که این مقاله نقشی هر چند کوچک برای شناسایی این مصادیق برداشته باشد.

- ارسطو (۱۳۸۸). سیاست، ترجمه ی حمید عنایت، تهران: علمی و فرهنگی.
- ازکیا، احمدش، و پارتازیان، مصطفی، رشید، و کامبیز (۱۳۹۶). روشهای تحقیق کیفی (از نظریه تا عمل)، ۲ جلد، تهران: کیهان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۷). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نی.
- بیات، آصف (۱۳۹۰). زندگی همچون سیاست، ترجمه-ی فاطمه صادقی، نشر اینترنتی.
- بیات، آصف (۱۳۷۹). سیاست‌های خیابانی، ترجمه ی اسدالله نبوی، تهران: شیرازه.
- بیگدلو و هادیان، مهدی و ناصر (1397). "تأثیر کارکردهای شبکه‌های اجتماعی بر سمت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی کاربران دانشگاهی در ایران (مطالعه موردی وایبر و تلگرام)"، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره 12، شماره 6، صص 73-104.
- بیکر، ترز (۱۳۹۴). نحوه ی انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه-ی هوشنگ نائبی، تهران: نی.
- پینکارد، تری (۱۳۹۴). فلسفه‌ی آلمانی؛ ۱۸۶۰-۱۷۶۰ میراث ایدنالیسم، ترجمه ی ندا قطروی، تهران: ققنوس.
- حاضری و رضاپور، علیمحمد و اسماعیل (1392). "مطالعه برخی عوامل موثر بر بروز مقاومت دانش‌آموزان در برابر هنجارهای مدرسه بررسی دبیرستان‌های شهر تهران"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره 4، شماره 14، 35-62.
- دیواس، دی. ای (۱۳۹۷). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه ی هوشنگ نائبی، تهران: نی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- رحمتی و دیگران، محمد مهدی (۱۳۹۱). "هویت اجتماعی و مقاومت فرهنگی، مطالعه ی مصرف کالاهای فرهنگی غیرمجاز در تهران"، *فصلنامه ی مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره- ۱۹، شماره ۲، ۸۵-۱۱۱.
- رضایی، محمد (1388). *تحلیلی از زندگی روزمره دانش‌آموزی*، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- ساروخانی و بابایی فرد، باقر و اسدالله (۱۳۹۱). *اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگ جوانان در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها*، تهران: دیدار.
- سراج زاده و بابایی، حسین و مینا (1388). "نقص هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی و دلالت‌های مقاومتی آن"، *نامه علوم اجتماعی*، دوره 17، شماره 36، صص 153-178.
- سلماسی و نصیری، مرحمت و بهاره (1396). *سواد رسانه‌ای و مقاومت مصرف‌کنندگان شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان*، تهران: پشتیبان.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۴). "مقاومت، ممارست، و مماشات گفتمانی، مجله ی جامعه‌شناسی ایران"، *دوره‌ی شانزدهم*، شماره-ی ۱، ۱۱۰-۱۲۴.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۴). *تاریخ فلسفه ی سیاسی غرب؛ عصر جدید و سده ی نوزدهم*، تهران: وزارت امور خارجه.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۸). *تاریخ فلسفه ی سیاسی غرب؛ از آغاز تا پایان سده های میانه*، تهران: وزارت امور خارجه.

- عبداللهیان و ناظر فصیحی، حمید و آزاده (1389). "تحلیل شکل‌گیری و تحول گونه‌ی موسیقی مقاومت در ایران". جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره 1، شماره 2، صص 33-63.
- عنایت، حمید (۱۳۹۸). بنیاد فلسفه‌ی سیاسی در غرب، تهران: دانشگاه تهران.
- فاضلی، محمد (1384)، "جامعه‌شناسی مصرف موسیقی"، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره 1، شماره 4، صص 27-53.
- فرقانی و مهاجری، محمدمهدی و ربابه، "رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییر در سبک زندگی جوانان"، مطالعات رسانه‌های نوین، دوره 13، شماره 4، صص 259-292.
- فوکو، میشل (۱۳۹۱). اراده به دانستن، ترجمه‌ی افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران: نی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۲). مراقبت و تنبیه، ترجمه‌ی افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران: نی.
- کولاکوفسکی، لَشک (۱۳۸۹). جریان‌های اصلی در مارکسیسم؛ برآمدن، گسترش و فروپاشی، جلد اول، ترجمه‌ی عباس میلانی، تهران: دات.
- کیلکولن و رایبِنسون (۱۳۹۷). جان و جانانان، دیباچه‌ای بر فلسفه‌ی سیاسی سده‌های میانه، ترجمه‌ی سعید ماخانی، تهران: مانیا هنر.
- محبوبی‌منش، حسین (1386). "تحلیل اجتماعی مسأله حجاب"، مطالعات راهبردی زنان، 38.
- محسنی، رضاعلی (1391). "تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی"، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره 1، شماره 5، 83-108.
- محمدی‌ویس بابایی، جمال و شیدا (1394). "دیوارنوشته‌ها: تقابل سیاست و زندگی روزمره"، مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، دوره 1، شماره 22، صص 207-230.
- میلر، پیتر (۱۳۸۸). سوژه، استیلا و قدرت در نگاه هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و فوکو، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- نَش، کیت (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- Gramsci, A (1996) Prison Letters, Pluto Press .
- McNay, L (1994). Foucault: A Critical Introduction, Polity Press .